

بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی مؤثر بر میزان رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله فرحزاد تهران - فرحزاد شمالی)

صبا خراسانی‌مقدم - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
سیدعباس یزدانفر* - استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
سیدباقر حسینی - دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۱۸ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۶/۱۶

چکیده

در سکونتگاه‌های غیر رسمی، وجود نابسامانی‌های فراوان در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... سطح زندگی ساکنان را کاهش داده است و مهم‌ترین هدف توسعه پایدار، یعنی بهبود کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان را با تهدید جدی روبه‌رو ساخته است. با توجه به اینکه توسعه پایدار با برآوردن نیازهای بشر، متضمن دستیابی به کیفیت زندگی و رضایتمندی در ابعاد مختلف برای همگان است، به نظر می‌رسد توجه به ابعاد کیفیت زندگی و ارتقای آن‌ها، یکی از راه‌های بازیابی رضایتمندی و تحقق اهداف توسعه پایدار در این سکونتگاه‌هاست. هدف پژوهش حاضر، تعیین و بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی مؤثر بر رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی در چارچوب اهداف توسعه پایدار است. روش تحقیق، پیمایشی است و داده‌ها براساس پرسشنامه گردآوری شده‌اند. برای ارزیابی پایایی ابزار پژوهش، از روش کرونباخ و درجهت تعیین روایی، از روایی صوری استفاده شده است. جامعه آماری با حجم نمونه ۱۱۰ نفر، شامل ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی محله فرحزاد تهران است و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss صورت گرفته است. براساس نتایج، رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی، در حد متوسط $5 < 2/72 < 1$ با میانۀ نظری ۳ ارزیابی شد. همچنین مطابق یافته‌ها، رابطه معناداری بین متغیرهای مشارکت اجتماعی ($r=+0/467$)، همبستگی اجتماعی ($r=+0/477$)، امنیت اجتماعی ($r=+0/458$)، بهداشت محیط ($r=+0/212$)، ایمنی محیط ($r=+0/247$)، فضاهای گذران اوقات فراغت ($r=+0/209$)، سازماندهی کالبدی فضایی ساختمان‌ها ($r=+0/211$) و تراکم ساختمانی ($r=+0/205$)، با رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که متغیر وابسته، به‌طور مستقیم، از متغیرهای مشارکت اجتماعی، بهداشت محیطی، سیمای کالبدی، تراکم ساختمانی و وجود فضاهای گذران اوقات فراغت تأثیر می‌پذیرد و در مجموع، این متغیرها توانسته‌اند مقدار $R^2=+0/533$ از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، رضایتمندی، سکونتگاه غیر رسمی، کیفیت زندگی، محله فرحزاد.

مقدمه

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بسیاری داشته است. یکی از آثار و پیامدهای این توسعه، حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی است. در این نوع اسکان، افراد به‌علت ناتوانی در جذب اقتصادی در متن و زندگی در بدنه اصلی شهرها، در حواشی و پیرامون و گاه درون آن‌ها، به شکل روستاهای درون‌شهری به‌صورت غیررسمی اسکان می‌یابند (قرخلو و دیگران، ۱۳۸۸: ۲). این سکونتگاه‌ها به‌دلیل ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به‌مخاطره‌انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکل، به‌طور شایان توجهی بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر گذاشته‌اند. این گروه با کاهش رضایتمندی ساکنان این نواحی، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی می‌شوند. امروزه با مطرح‌شدن توسعه پایدار شهری و لزوم توجه به همه ابعاد وجودی شهر، اعم از زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی و... به‌عنوان پایه‌های توسعه پایدار شهری و دستیابی به کیفیت زندگی مناسب، مشکل سکونتگاه‌های غیر رسمی وارد فاز مطالعاتی جدیدی شده است و محققان با دیدی کلی‌تر، این پدیده را در شهرها مطالعه می‌کنند (قرخلو و دیگران، ۱۳۸۸: ۱).

از آنجاکه یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار، مسئله کیفیت زندگی و تأمین رضایت افراد است، تلاش در جهت شناخت شاخص‌های کیفیت زندگی در این سکونتگاه‌ها و تعیین رابطه آن‌ها با رضایتمندی ساکنان، ما را در شناخت ابعاد کیفیت زندگی مؤثر بر رضایتمندی ساکنان یاری می‌کند. بدین ترتیب، مقاله حاضر به تعیین و بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی براساس اهداف توسعه پایدار می‌پردازد و با سنجش رضایتمندی ساکنان، در پی شناخت رابطه‌ای است که بین شاخص‌های کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر مستقل و رضایتمندی از کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر وابسته وجود دارد. براین اساس، دو پرسش اساسی زیر مطرح می‌شود: ۱. شاخص‌های کیفیت زندگی در چارچوب اهداف توسعه پایدار، شامل چه عواملی هستند؟ و ۲. چه رابطه‌ای میان شاخص‌های کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان برقرار است؟ مهم‌ترین فرضیه پژوهش، وجود رابطه معنادار شاخص‌های کیفیت زندگی و معرف‌های آن، با رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی است. در این پژوهش، تدوین شاخص‌ها و فرایند سنجش این دو مفهوم (کیفیت زندگی و رضایتمندی)، بخش اساسی و مهمی به‌شمار می‌رود. به‌منظور شکل‌گیری مدل پایه و چارچوب نظری در محدوده مطالعاتی، به بررسی نوشتارها و پژوهش‌های نظری مربوط به کیفیت زندگی، توسعه پایدار، اسکان غیر رسمی و همچنین رضایتمندی از کیفیت زندگی و متغیرهای احتمالی مؤثر بر درک آن پرداخته شده است. پس از آن، برای تعیین شاخص‌های کیفیت زندگی، شامل عوامل اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی با تکیه بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در چارچوب نظری پژوهش، از استدلال منطقی بهره گرفته شده است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و از طریق تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده در محدوده سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد تهران صورت گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه، رابطه و میزان تأثیر شاخص‌ها بر رضایتمندی از کیفیت زندگی به‌عنوان مهم‌ترین محور توسعه پایدار بررسی شده است. در انتهای تحقیق نیز نتیجه‌گیری و راهکارها و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شده است.

مبانی نظری

توسعه پایدار

پایداری در لغت‌نامه دهخدا، به معنای بادوام و ماندنی آورده شده است (دهخدا، ۱۳۸۸: ۴۷). معنای کنونی واژه پایداری عبارت است از آنچه در آینده تداوم می‌یابد (سفالایی، ۱۳۸۲: ۱۳۴). توسعه پایدار، مفهومی چندبعدی دارد که همه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی - محیطی شهر را دربرمی‌گیرد. این مفهوم، به‌طور رسمی از سوی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۱ معروف به کمیسیون برانت لند^۲ در سال ۱۹۸۷ وارد حوزه ادبیات عمومی توسعه شده (محمودی، ۱۳۸۸: ۲) و در

1. World Commission of Environment and Development.

2. Brandt Land

تعریف آن آمده است: توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون به‌خطرانداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان برآورده سازد (چپمن، ۱۳۸۶: ۳۴). پایداری، دعوتی به موازنه پویا میان عوامل مؤثر فراوان (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و روان‌شناختی) با هدف بهبود کیفیت زندگی درخور بشر است (یونسکو، ۱۹۹۷: ۱۴). لازمه فرایند توسعه پایدار، بهبود وضعیت و پیشرفت است. اساس بهبود وضعیت، حذف کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع است و موتور محرکه پیشرفت، تعادل متناسب با هماهنگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جوامع به‌شمار می‌رود (فرجی ملایی، ۱۳۸۹). یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار- که امروزه به‌طور گسترده به آن پرداخته می‌شود- مسئله کیفیت زندگی و تأمین رضایت افراد از طریق بالابردن سطح کیفی زندگی آن‌هاست. براساس نظر الیوت، توسعه پایدار، مفهومی است که در آن، تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد، همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مد نظر قرار می‌گیرد. در این مفهوم، کیفیت زندگی، متأثر از مجموعه عواملی است که شالوده پویایی زندگی در یک جامعه شهری را تشکیل می‌دهند و موجب پایداری آن می‌شوند (حبیب، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

در ادبیات توسعه پایدار، بهبود کیفیت زندگی برای کسانی که امروزه در شرایط نابرابری و فقر زندگی می‌کنند و نیز برای جمعیتی که طی سال‌های آتی به سکونتگاه‌های بشری افزوده می‌شوند، مستلزم پی‌ریزی مسیر رشد و توسعه‌ای است که ضمن ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع انسانی، مسائل اکولوژیکی، نابرابری‌های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی و مسائل کالبدی- محیطی را همزمان مد نظر قرار دهد (همان، ۱۱۱-۱۱۲). توسعه پایدار برای بهبود کیفیت زندگی ساکنان، شامل ابعاد گسترده‌ای می‌شود. بارتون معتقد است که توسعه پایدار، تمرکز توسعه بر مردم و برقراری عدالت برای نسل‌های جاری و آینده است. وی تأکید می‌کند که توسعه پایدار ابعاد مختلفی دارد و در راستای افزایش کیفیت زندگی، نه تنها توسعه درمورد موفقیت‌های اقتصادی مطرح است، بلکه ابعادی نظیر بهداشت، شرایط اجتماعی، کیفیت زندگی و کیفیت محیط زیست را نیز دربرمی‌گیرد (عزیزی، ۱۳۸۰: ۱۵). به‌طور کلی، در راستای تحقق توسعه پایدار شهری باید شرایطی فراهم شود تا امکان بسترسازی توسعه پایدار انسانی و بهبود رفاه شهروندی فراهم شود. در این بستر می‌توان به موارد زیر به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان اشاره کرد: برقراری عدالت اجتماعی، تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت‌پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی (بحرینی، ۱۳۹۱)، تغییرهای شهری و فرم کالبدی شهر، طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی (شیعه، ۱۳۸۰)، ایجاد انتظام ساختاری در فضای شهری برای ادراک زیبایی‌شناختی و خوانایی شهری (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۲-۳۴) بهبود بهره‌گیری از فضاهای شهری و افزایش رضایت شهروندی (بحرینی، ۱۳۹۱: ۹۸-۱۲۹) و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر شهری (کالن، ۱۳۹۰: ۶۴-۹۰).

اسکان غیر رسمی

با مطرح‌شدن توسعه پایدار شهری و لزوم توجه به همه ابعاد وجودی شهر، اعم از زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی- کالبدی و... به‌عنوان پایه‌های توسعه پایدار، مشکل سکونتگاه‌های غیر رسمی وارد فاز مطالعاتی جدیدی شده و محققان علوم انسانی با دیدی کلی، پدیده اسکان غیر رسمی را در شهرها مطالعه می‌کنند. اسکان غیر رسمی، پدیده‌ای است ناهنجار که درون یا مجاور شهرها به شکلی خودرو و بدون مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی و با سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی در مقایسه با بافت متداول شهر مشاهده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۷: ۵). این پدیده، تجلی برآورده‌نشده نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم‌درآمدی است که در فضای رسمی و برنامه‌ریزی‌شده شهر جایی ندارند و در فرار از محدودیت‌های قانونی خارج از توان خود، به برپایی سکونتگاه‌های نابسامان در حاشیه شهرها و بعضی نقاط درون شهری می‌پردازند. این سکونتگاه‌ها جزء محله‌های توسعه‌نیافته شهری هستند که در بی‌هویتی دست‌وپا می‌زنند و از

نظر اشتغال، سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامطلوب به سر می‌برند. اسکان غیر رسمی، دو وجه بیرونی و درونی دارد و معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن، مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت، در مناطقی اقامت می‌کنند که حداقل ارتباط با جامعه میزبان را دارند و به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و نداشتن توانایی مالی، بین محل سکونت آن‌ها و منطقه اصلی شهر، نوعی جدایی وجود دارد (صادقی و نقدی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). وجه درونی اسکان غیر رسمی، با نظام اجتماعی- فرهنگی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. براین اساس، وضعیت حاشیه‌نشینی به عقیده رابرت پارک (۱۹۸۱)، شرایط یا عالمی است برزخ‌گونه، که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی‌آورد و وی خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی تا حدودی دستخوش تزلزل شده است. در اغلب موارد، چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ‌ها، حالت کناره‌گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه فعالیت کند (جمشیدیها و عنبری، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵).

ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی در ابعاد مختلف کالبدی (مسکن ناهنجار)، اجتماعی (رفتارهای اجتماعی جدا از جامعه شهری) و اقتصادی (ویژگی‌های اشتغال و درآمد) متمایز می‌شوند و از محروم‌ترین اقشار جامعه شهری به‌شمار می‌آیند که به اعتبار همین محرومیت شدید، در برابر هرگونه آسیب بی‌دفاع است (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۶). بروز آسیب‌ها و نابسامانی‌های فراوان کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... در این نواحی، سطح زندگی ساکنان را تا حد شایان توجهی کاهش داده است و مهم‌ترین هدف توسعه پایدار، یعنی افزایش کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان را با تهدید جدی روبه‌رو ساخته است. به نظر می‌رسد بدون ارتقا و بهبود شرایط موجود، اسکان غیر رسمی به معضلی لاینحل در مقابل توسعه پایدار شهری تبدیل خواهد شد (صرافی، ۱۳۸۷: ۶). در واقع، حاشیه‌نشینی، یکی از پاشنه‌های آشیل توسعه پایدار شهری به‌شمار می‌رود (صادقی و نقدی، ۱۳۸۵: ۲۱۹) و براین اساس، ضرورت ساماندهی این سکونتگاه‌ها در تمامی ابعاد مشهود است. از این نظر، مدیریت شهری نیازمند اتخاذ تدابیری است تا ارتقای تدریجی سطح زندگی خانوارها را با بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و روانی آن‌ها پیگیری کند.

مفهوم کیفیت زندگی

یکی از مفاهیمی که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده، حوزه‌ای از مسائل زندگی انسان است که از آن به کیفیت زندگی تعبیر می‌شود. از کیفیت زندگی، تعاریف متعددی ارائه شده است. کارتر (۱۹۸۵) این کیفیت را شادمانی فردی یا رضایتمندی از زندگی و محیط، نیازها و امیال و همچنین دیگر فاکتورهای محسوس و نامحسوس- که خرسندی کلی را تعیین می‌کند- می‌داند. کیفیت زندگی به معنای داشتن منابع ضروری برای تأمین نیازها، خواسته‌ها و امیال، شرکت در فعالیت‌ها، خودباوری و مقایسه رضایتمندی بین خود و دیگران است (فرجی ملائی، ۱۳۸۹). در بیان کلی، کیفیت زندگی به مؤلفه‌های کامیابی یا رضایتمندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می‌شود (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۶). میزان کیفیت زندگی شهری، به میزان جوابگویی سکونتگاه‌ها به نیازهای اساسی انسان باز می‌شود و نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی، کالبدی و فرهنگی محیط در یک ناحیه است که به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی افراد به کار می‌رود (عظیمی، ۱۳۸۹: ۴). بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی، تا حد زیادی با جنبه‌هایی از زندگی شخصی مانند آرزوها، انتظارات، شادکامی، رضایت و... تعیین می‌شود. نبود یک تعریف استاندارد از این مفهوم، موجب شده است که گاه از واژه‌هایی نظیر رفاه، سطح زندگی و رضایتمندی از زندگی نیز به جای واژه کیفیت زندگی استفاده شود (لطفی، ۱۳۸۸: ۶۷). در گزارش‌ها و پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری بسیاری، به مفهوم کیفیت زندگی شهری اشاره شده است. محققان بسیاری چون مک‌کال (۱۹۷۵)، مایرز (۱۹۸۷)، دیویدسن و کاتر (۱۹۹۱)، اوبرین و ایدی (۱۹۹۱)، دینر و ساهه (۱۹۹۷) و تراک‌سرور و اتالک (۲۰۰۱)، ادبیات کیفیت زندگی را بررسی و مرور

کرده‌اند و در این مورد موافقت دارند که باید تعریفی پرمعنا و جامع از کیفیت زندگی به رسمیت شناخته شود. براساس این تعریف، کیفیت زندگی دو بعد مرتبط و پیوسته، یعنی یک بعد روان‌شناختی و یک بعد محیطی دارد. به عبارتی، کیفیت زندگی، معطوف به تأمین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی است. در رویکرد ذهنی، محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده‌اند و بر معرف‌های ذهنی تأکید ورزیده‌اند. در این رویکرد، از رضایتمندی و خوشبختی به‌عنوان معرف‌های اصلی سنجش یاد می‌شود. در رویکرد عینی، بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مربوط به آن تأکید شده است و کیفیت زندگی افراد در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است.

گری‌سن و یونگ نیز معتقدند که در تعیین کیفیت زندگی، دو سری بنیادی از اجزا و فرایندها در تعامل‌اند: آن‌هایی که به یک فرایند روان‌شناختی داخلی وابسته‌اند و یک احساس رضایتمندی یا کامروایی را ایجاد می‌کنند و آن‌ها که جزئی از شرایط بیرونی هستند و فرایندهای داخلی را برمی‌انگیزند. بعد اول، مربوط به کیفیت زندگی انفرادی و شخصی، رفاه و خوشبختی ذهنی و درونی یا رضایت از زندگی است و بعد دوم، عوامل مربوط به کیفیت زندگی شهری، کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیت مکان و کیفیت زندگی محیطی را دربرمی‌گیرد (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۸۳). با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه کیفیت زندگی شهری، به‌وضوح دیده می‌شود که این مسئله که کیفیت زندگی اجزای مختلفی دارد، از سوی پژوهشگران تأیید شده است. در پژوهش‌های اخیر در زمینه کیفیت زندگی، ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری را به‌مثابه ابعاد مختلف توسعه پایدار شهری در نظر می‌گیرند. به‌عبارت دیگر این دیدگاه به‌وجود آمده است که مفهوم کیفیت زندگی شهری با توسعه پایدار شهری، همگرایی بسیار زیادی دارد و حتی به‌جای هم به‌کار برده می‌شود. در واقع، صحبت از کیفیت زندگی شهری، بدون توجه به توسعه پایدار شهری معنادار نیست. همچنین وقتی بحث توسعه پایدار شهری مطرح می‌شود، خودبه‌خود مفهوم کیفیت زندگی شهری نیز موضوعیت پیدا می‌کند و پدیدار می‌شود (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۱). برای شکل‌گیری مدل پایه و چارچوب نظری در محدوده پژوهش، به بررسی نوشتارها و پژوهش‌های نظری مربوط به ابعاد کیفیت زندگی و متغیرهای احتمالی مؤثر بر آن پرداخته شده که در ادامه ارائه شده است.

شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش کیفیت زندگی در پژوهش‌های مختلف

دو مدل معروف برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها پیشنهاد شده است: مدل از بالا به پایین که براساس آن، کیفیت زندگی، ویژگی ثابتی است که موجب بروز نتیجه‌های معینی در زندگی افراد می‌شود و مدل از پایین به بالا که معتقد است متغیرهای خاصی بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارند (اوانس، ۱۹۹۴: ۷۳). در پژوهش حاضر، مدل پایین به بالا مبنای بررسی‌ها قرار گرفته است و این مسئله که متغیرهای مختلفی بر میزان کیفیت زندگی افراد مؤثرند، به‌عنوان یک پیش‌فرض مورد قبول است. همان‌طور که مفهوم کیفیت، ابعاد عینی و ذهنی دارد، برای سنجش آن نیز دو نوع کاملاً مجزا از شاخص‌ها لازم است: نخست، شاخص‌های عینی که جنبه‌های ملموس محیط ساخته‌شده، محیط طبیعی، حوزه اجتماعی و اقتصادی و محیط‌های زندگی افراد را توصیف می‌کنند؛ مانند امکانات مسکن، فضاهای عمومی و خصوصی و دوم، شاخص‌های ذهنی که یک بیان قابل اندازه‌گیری از حس رفاه افراد و رضایتمندی از یک جنبه خاص از زندگی‌اند و توصیف‌کننده شیوه‌های درک و ارزیابی مردم از محیط اطرافشان به‌شمار می‌روند؛ مانند امکان برقراری روابط اجتماعی یا ادراک زیبایی محیط (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۲۱). محققان در پژوهش‌های خود در مورد کیفیت زندگی شهری، اجزای مشابهی را به‌عنوان ابعاد مختلف کیفیت زندگی انتخاب کرده‌اند؛ اما شاخص‌هایی که برای سنجش این اجزا در نظر گرفته شده، متفاوت است. جدول زیر ابعادی را که در پژوهش‌های مختلف در زمینه کیفیت زندگی شهری، به‌عنوان جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری انتخاب شده است، نشان می‌دهد.

جدول ۱. جنبه‌های کیفیت زندگی شهری در پژوهش‌های مختلف

منبع	جنبه‌های کیفیت زندگی شهری به کاررفته در پژوهش‌های مختلف
Liu (۱۹۷۶)	۱. اقتصاد، ۲. سیاست، ۳. محیط زیست، ۴. اجتماع، ۵. آموزش
Boyer and Savageau (۱۹۸۱)	۱. آب‌وهوا، ۲. مسکن، ۳. محیط زیست و بهداشت، ۴. جرم، ۵. حمل‌ونقل، ۶. آموزش، ۷. هنر، ۸. تفریح، ۹. اقتصاد
Blomquist et al (۱۹۸۸)	۱. نزولات جوی، ۲. تعداد روزهای گرم، ۳. تعداد روزهای سرد، ۴. رطوبت، ۵. سرعت باد، ۶. جرم، ۷. نسبت معلم به شاگرد، ۸. مواد زاید
Stover and Leven (۱۹۹۲)	۱. امنیت عمومی، ۲. هزینه خوراک، ۳. فضای زندگی، ۴. استاندارد مسکن، ۵. ارتباطات، ۶. آموزش، ۷. بهداشت عمومی، ۸. آرامش، ۹. جریان ترافیک، ۱۰. هوای پاک
Sufian (۱۹۹۳)	۱. امید به زندگی، ۲. نرخ بی‌سوادی بزرگسالان، ۳. متوسط قدرت خرید
Human Dev. Index (۱۹۹۴, UNDP)	۱. درآمد ماهانه هر شخص، ۲. توزیع درآمد، ۳. مخارج خوراک ماهانه
Protassenko (۱۹۹۷)	

منبع: آنگین، ۲۰۰۱: ۳۴۳

ساتوس و مارتینز (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی که به منظور نظارت بر کیفیت زندگی شهری در شهر پورتو انجام داده‌اند، برای کیفیت زندگی شهری، جنبه‌های زیر را تعریف کرده‌اند:

جدول ۲. کیفیت زندگی شهری از نظر ساتوس و مارتینز

ابعاد کیفیت زندگی	زیرمعیارها
جامعه	جمعیت، آموزش، ساختار فرهنگی، بهداشت، ایمنی، ناهنجاری‌های اجتماعی
محیط زیست	فضاهای سبز، آب‌وهوا، صدا، کیفیت هوا، زیرساخت‌های اساسی
وضعیت کالاهای اجتماعی	تسهیلات اجتماعی، تسهیلات ورزشی، تسهیلات آموزشی، تسهیلات اجتماعی و درمانی، تحرک و پویایی، خرده‌فروشی
وضعیت اقتصادی	درآمد و هزینه، بازار کار و بازار مسکن، مکانیسم اقتصادی

منبع: ساتوس، ۲۰۰۷: ۴۱۸

فیلیپس نیز کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی بررسی کرده است. به نظر وی، لازمه کیفیت زندگی فردی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی برای برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است. وی در بعد فردی، به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی، شامل رضایتمندی، هدفمندی در زندگی، رشد و شکوفایی و مشارکت گسترده در فعالیت‌های اجتماعی اشاره کرده است و در بعد جمعی، بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، انسجام مدنی، یکپارچگی، روابط گسترده، هنجارها، اعتماد، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (صادقی و نقدی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). مطابق پژوهش اشنایدر (۱۹۷۶) در مورد شهرهای آمریکایی، شش بعد برای کیفیت زندگی در این شهرها در نظر گرفته شده است. این ابعاد عبارت‌اند از: نابسامانی‌های اجتماعی، مشارکت، آموزش، درآمد، محیط زیست و بهداشت (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۲۳). همین‌طور در پژوهشی با عنوان پروژه شهر سالم در تورنتو (۱۹۹۳)، پنج بعد برای سنجش کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است. این ابعاد عبارت‌اند از: حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل‌ونقل و ایمنی (هلثی سیتی، ۲۰۰۰: ۱۹۸). آنگین و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان رویکردی چندجانبه به کیفیت زندگی شهری، این مفهوم را در شهر استانبول بررسی کردند (آنگین، ۲۰۰۱: ۳۵۴). رویکرد این پژوهش در سنجش و بررسی کیفیت زندگی شهری، با استفاده از شاخص‌های عینی بوده است. در این پژوهش، پس از مطالعه‌های فراوان، ابعاد سنجش کیفیت زندگی، شامل عوامل زیر در نظر گرفته شده است:

جدول ۳. ابعاد کیفیت زندگی شهری در استانبول

شاخص‌های کیفیت زندگی	معرف‌های شاخص
کیفیت محیط فیزیکی	ترتیب ساختمان‌ها، نوع مسکن، تراکم، مناطق سبز، مناطق تفریحی، خدمات و زیرساخت‌های شهری
کیفیت محیط اجتماعی	میزان خدمات آموزشی، هزینه خدمات آموزشی، میزان خدمات بهداشتی، فعالیت‌های فرهنگی
کیفیت محیط اقتصادی	هزینه زندگی، فرصت یافتن کار رضایت‌بخش، هزینه مسکن
کیفیت محیط بصری	شرایط بصری و زیبایی محیط مصنوع، شرایط بصری محیط طبیعی، همخوانی عناصر موجود

منبع: آلتگین، ۲۰۰۱: ۳۶۶

شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری بی‌شمارند. این مسئله با توجه به چندبعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی شهری، امری بدیهی است. به‌طور کلی فرض می‌شود که هر شاخص، بزرگی و اهمیت یک بعد خاص از کیفیت زندگی شهری را منعکس می‌کند. براین اساس، کیفیت زندگی شهری را می‌توان به مجموعه‌ای از اجزا یا ابعاد تفکیک کرد. اگر این اجزا به‌درستی ترکیب شوند، یک ارزش یا امتیاز کلی برای کیفیت زندگی شهری به‌دست می‌آید.

رضایتمندی

پژوهش‌های بی‌شماری بر مقوله رضایت به‌عنوان مفیدترین شاخص سنجش کیفیت زندگی تأکید می‌کنند. بسیاری از افراد، به چیزهایی که نمی‌توانند داشته باشند، تمایل دارند و بنابراین، به دلایل اقتصادی یا سایر دلایل، باید محلی را که تمایل کمتری به آن دارند، برگزینند. وقتی آنچه را که تمایل داریم، می‌توانیم انتخاب کنیم، احساس رضایت می‌کنیم (گیفورد، ۱۳۸۸: ۳۵۵-۳۶۰). بعضی از محققان، مراحل درک میزان رضایتمندی افراد را با دیدگاه ادراکی توصیف کرده‌اند. بدین ترتیب که شخص، با توجه به مجموعه‌ای از نیازها و آرزوهایی که دارد، شرایط فعلی کیفیت زندگی خویش را ارزیابی می‌کند (میشلسون، ۲۰۰۱: ۳۵۵-۳۶۰). نیازها و آرمان‌های شخص، مجموعه‌ای از هردو ویژگی‌های فردی (همچون طبقه اجتماعی و مرحله زندگی) و معیارهای فرهنگی تأثیرگذار بر فرد است. چنانچه شرایط فعلی در سازگاری نزدیک با همان چیزی باشد که فرد برای نیازها و آرمان‌هایش تعریف کرده است، رضایتمندی حاصل می‌شود (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۴).

بخشی از حوزه رضایتمندی از زندگی، مربوط به رضایتمندی سکونت است (هوکاو، ۲۰۰۶). در میان پژوهشگران، میزان رضایت از نواحی سکونت و عوامل تأثیرگذار بر آن از دیدگاه رفتاری از سوی آمیرگو و آراگونز (۱۹۹۷) بررسی شده است. آن‌ها سعی کردند تا مدل‌های رفتاری را که با درجه رضایتمندی سکونت ارتباط معناداری دارد، شناسایی کنند. نتایج این کار نشان داد ساکنانی که درصدد اصلاح و بهبود شرایط خانه نبودند، در مقایسه با دیگران، رضایت بیشتری داشتند. همچنین شرکت در فعالیت‌های واحد همسایگی و ملاقات‌های مکرر با همسایه‌ها، با رضایتمندی سکونت (با درصد بالایی) رابطه داشته است (آمیرگو و آراگونز، ۱۹۹۷: ۴۷-۵۷). در مطالعه‌ای که لنسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹ انجام دادند، رضایتمندی، یکی از معیارهای اصلی سنجش میزان کیفیت محیطی مطرح شد و چنین تعریف شد: محیط با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایتمندی را از طریق ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشد، به جمعیتش منتقل می‌کند (لنسینگ و مارانز، ۱۹۸۹: ۱۹۵-۱۹۹). در نگاه به متغیر رضایت از زندگی، دو رویکرد نظری وجود دارد: در رویکرد نخست، رضایت از زندگی به‌مثابه سازه‌های چندبعدی در نظر گرفته می‌شود و رویکرد دوم، به رضایت از زندگی به‌مثابه یک متغیر بسیط می‌نگرد (قه‌رمان، ۱۳۸۹: ۸۷). در رویکرد نخست، رضایت از زندگی، سازه‌ای است که چند بعد دارد و در ابعاد آن، تنوع بسیاری حاکم است. در این رویکرد، ابتدا درمورد حوزه‌های متفاوت زندگی، پرسش می‌شود و درنهایت، به جمع آن‌ها پرداخته می‌شود تا رضایتمندی از زندگی حاصل شود (همان، ۸۹). در جدول ۴، ابعاد رضایتمندی از زندگی در پژوهش‌های مختلف گردآوری شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در پنج پژوهش اول، ابعاد رضایت از زندگی، از جنس رضایت است و در دو مورد آخر، رضایت از جنس مفاهیم متنوع است.

جدول ۴. تعیین ابعاد رضایتمندی از کیفیت زندگی، به مثابه سازه‌ای چندبعدی

منبع	ابعاد رضایتمندی از زندگی
نایی (۱۳۷۵)	رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از مسکن، رضایت از شغل و رضایت از تندرستی
عظیمی (۱۳۸۲)	رضایت از خود، رضایت از دوستان، رضایت از خانواده، رضایت از محیط زندگی، رضایت از محیط کار
علیخواه (۱۳۸۳)	رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از همسر و فرزند، رضایت از روابط اجتماعی دیگران و همسایگان، رضایت از درآمد
اباذری و دیگران (۱۳۸۳)	رضایت مالی، رضایت فردی، رضایت اجتماعی و سیاسی
ادامز (۱۹۶۹)	رغبت به زندگی، تناسب میان اهداف دست‌یافته با آرزوها، شادبودن و نگاه مثبت‌داشتن، ثبات قدم و شکیبایی
محسنی (۱۹۷۷)	رضایت از ازدواج، رضایت از اشتغال، رضایت از اوقات فراغت
Turksrer (۲۰۰۰)	سطح انتظارها از زندگی، برآورده شدن آرزوها

منبع: نگارندگان

در رویکرد دوم، رضایت از زندگی بدون ابعاد است و اگر در پژوهش‌ها از گویه‌های متعددی برای سنجش آن استفاده شده است، قصد محقق، ارتقای سطح سنجش آن است؛ هرچند در بعضی پژوهش‌ها، برای سنجش از یک گویه استفاده شده است. در یک اثر پژوهشی، برای سنجش رضایت از زندگی، به‌طور مستقیم از خود فرد خواسته شده است که میزان رضایت از زندگی خود را در قالب یک طیف چندگزینه‌ای لیکرت علامت بزند: «آیا به‌طور کلی از زندگی خود راضی هستید؟» (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۵۹). در این پژوهش، محقق برای سنجش رضایت خود، عبارت «رضایت از زندگی» را به‌کار می‌برد. رونالد اینگلهارت در پژوهش خود، رضایت از کل زندگی را با زتاب مجموع رضایت فرد از ابعاد مختلفی چون درآمد، مسکن، شغل، فراغت و زندگی خانوادگی می‌داند، اما او نیز در گویه‌سازی، واژه رضایت را گویاتر از هر واژه دیگر تلقی می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۴: ۲۴۷). در نمونه‌ای دیگر برای سنجش رضایت از زندگی، پنج معرف و گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. بعضی از این گزینه‌ها عبارت‌اند از: من در زندگی‌ام خشنودم. اگر قرار باشد به زندگی‌ام ادامه دهم، هیچ چیزی را تغییر نخواهم داد (لاکلند، ۲۰۰۱: ۳۲۲-۳۲۴). در اینجا نیز مشخص است که محقق، رضایت را بدون ابعاد می‌داند. در بسیاری از پژوهش‌های دیگر مشاهده می‌شود که محقق به‌صورت مستقیم، از وضعیت کنونی زندگی پاسخگو پرسش کرده و از حوزه‌های متفاوت زندگی، به‌صورت تک‌به‌تک پرسشی مطرح نکرده است (مکینتاش، ۲۰۰۱: ۴۲). براساس نظر مکینتاش، «رضایت از زندگی، رضایت کلی فرد از زندگی‌اش است» (۲۰۰۱: ۳۷)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد در پرسش از کیفیت زندگی، بهتر است به پرسش درباره حالت‌های گوناگون فرد پرداخته شود و با ارزیابی آن‌ها، میزان رضایت کلی فرد از زندگی‌اش به‌دست آید. در پژوهش حاضر، رضایتمندی با توجه به رویکرد دوم، موضوعی مستقل و کلی است و در تعیین آن، به‌طور مستقیم از وضعیت کنونی زندگی ساکنان پرسش می‌شود. در این حالت، تأثیر ابعاد مختلف کیفیت زندگی بر رضایتمندی ساکنان، مسئله‌ای قطعی و روشن نیست و نیازمند تعیین نوع رابطه میان این دو متغیر است.

تعریف متغیرها

متغیرهای مستقل پژوهش

اولین گام در راستای سنجش کیفیت زندگی، انتخاب ابعاد آن و سپس انتخاب شاخص‌هایی است که با استفاده از آن، ابعاد مختلف کیفیت زندگی سنجیده شود. شاخص‌ها برای ارزیابی تغییرهای فرایندها و پدیده‌هایی در طول زمان به‌کار می‌رود که سنجیدن مستقیم آن‌ها دشوار است (واینر، ۲۰۰۴: ۲۱۱). پژوهش‌ها بیانگر آن است که هریک از متخصصان، برای اندازه‌گیری یا سنجش کیفیت زندگی، شاخص‌های مختلفی را به‌کار برده‌اند. در پژوهش حاضر، برای تعیین و سنجش ابعاد کیفیت زندگی، با توجه به پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه و در نظر گرفتن ساختار و ویژگی‌های خاص سکونتگاه‌های غیر رسمی و نیز مفاهیم توسعه پایدار شهری، از شاخص‌های عینی - که اشاره به جنبه‌های عینی و

قابل لمس زندگی دارند و در ابعاد مختلف، قابل تعریف‌اند - بهره گرفته شده است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: شاخص‌های اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی^۱. شایان ذکر است که انتخاب شاخص‌ها در مقیاس پژوهش انجام شده صورت گرفته است و امکان اندازه‌گیری آن‌ها مد نظر بوده است. به منظور افزایش قابلیت اندازه‌گیری شاخص‌ها، برای هر یک از آن‌ها معرف‌های مشخصی نیز تعیین شده است. به طوری که شاخص اجتماعی، با سه معرف همبستگی، مشارکت و امنیت اجتماعی بررسی شده است. برای بررسی شاخص زیست‌محیطی، از سه معرف امنیت محیطی، بهداشت محیطی و وجود فضاهای گذران اوقات فراغت، پرسش به میان آمده است. برای سنجش شاخص کالبدی، از سه معرف سازماندهی فضایی - کالبدی ساختمان‌ها، نوع مصالح، قدمت و نیز تراکم ساختمانی استفاده شده و سنجش شاخص زیبایی‌شناختی، با بهره‌گیری از سه معرف سیمای زیست‌محیطی، سیمای کالبدی و سیمای نمادین محیط صورت گرفته است. در جدول ۵، شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی، معرف‌های مربوط به آن‌ها و نیز گویه‌های مطرح شده برای سنجش هر معرف، گردآوری شده است.

جدول ۵. تعریف متغیرهای مستقل پژوهش و گویه‌های مربوط به آن‌ها

شاخص‌های کیفیت زندگی	معرف‌های سنجش	گویه‌ها
اجتماعی	الف) همبستگی اجتماعی	احساس مسئولیت در قبال همسایه‌ها و مشکل‌های آن‌ها، تمایل به برقراری ارتباط و رفت‌وآمد با همسایه‌ها، وجود روابط صمیمانه میان خانواده‌ها و همسایگان
	ب) مشارکت اجتماعی	مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد محله و اهمیت قائل شدن برای دیدگاه‌های یکدیگر، مشارکت در ترتیب‌دادن جشن‌های آیینی و عزاداری‌ها، داشتن روحیه کار گروهی
	ج) امنیت اجتماعی	دسترسی به پلیس در موارد اضطراری، امنیت کودکان به هنگام بازی کردن در کوچه (ایجاد نکردن آزار و اذیت برای آن‌ها)، امنیت رفت‌وآمد به هنگام شب و در تاریکی، نبود نزاع و کشمکش میان ساکنان
کالبدی	الف) سازمان‌دهی کالبدی فضایی ساختمان‌ها	ابعاد مناسب مسکن متناسب با تعداد خانوار، تناسب تعداد اتاق‌ها و تعداد افراد، امکان انجام فعالیت‌های مختلف (خوردن، خوابیدن، بازی کردن کودکان، کار کردن و...) در فضای خانه
	ب) عمر ساختمان و نوع مصالح	ایمنی مصالح به کاررفته در برابر نزولات جوی چون باران و برف، استفاده از مصالح دست اول و استاندارد در ساخت‌وساز، وجود خانه‌های نوساز و بادوام با کیفیت مناسب
	ج) تراکم ساختمانی	وجود توده‌های ساختمانی به هم‌فشرده، افزایش جمعیت و شلوغی، اشرف به فضاهای خصوصی در ساختمان‌ها و مزاحمت‌های بصری
زیست‌محیطی	الف) ایمنی محیطی	مقاومت در برابر خطرهای طبیعی مانند سیل و زلزله و رانش زمین، وجود تمهیدات ایمنی محیطی مانند گاردریل و پله‌های ایمن در اطراف پرتگاه‌ها و شیب‌های تند، نساختن خانه‌ها در اراضی شیب‌دار و خطرناک، قرارنگرفتن خانه‌های مسکونی در حریم سیلاب
	ب) بهداشت محیطی	اهمیت به نظافت و پاکیزگی محیط و جلوگیری از آلودگی آن، دفع زباله‌ها و پسماندها و فاضلاب‌های خانگی، وجود جایگاه دفع زباله، آلوده‌نبودن منابع آب
	ج) فضاهای گذران اوقات فراغت	وجود فضاهای سبز برای گذراندن اوقات فراغت، وجود پارک‌هایی با تجهیزات لازم در بستر فضاهای سبز، داشتن سرگرمی‌های مناسب با بهره‌گیری از فضاهای سبز عمومی
زیبایی‌شناختی	الف) سیمای کالبدی	تناسب مصالح به کاررفته در نمای خانه‌ها، زیبا و خوشایندبودن بناها، یکدست‌بودن بدنه‌ها و نبود عناصر ناهماهنگ، هماهنگی در به‌کارگیری فرم‌های ساختمانی
	ب) سیمای زیست‌محیطی	زیبا و خوشایندبودن محیط از نظر وجود عناصر طبیعی و سبز، رسیدگی به درختان و فضای سبز از طریق هرس کردن درخت‌ها و کاشت گل و گیاه
	ج) سیمای نمادین محیط	وجود شناسه‌های محلی برای ایجاد هویت، نقش اشیا و عناصر محیط در ایجاد تصویری به‌یادماندنی و خاطره‌ای خوش در ذهن، نقش اشیا و عناصر محیط در تمایل به بازگشت مجدد به آن، نقش محیط در ایجاد دل‌بستگی و برقراری رابطه عاطفی با آن

منبع: نگارندگان

متغیر وابسته پژوهش: رضایت از زندگی

برای سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی به‌عنوان یک شاخص ذهنی، از معرف‌هایی که بیانی قابل اندازه‌گیری از حس

۱. عامل دیگری که بر کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی، تأثیر شایان توجهی دارد، اقتصاد است. با توجه به مفصل‌بودن بحث اقتصاد و نوع درآمد و معیشت خانوار در این مناطق، در فرصت دیگری به مقوله اقتصاد در این نواحی پرداخته خواهد شد. روایی پرسش‌ها با استفاده از روایی صوری ارزیابی شده است.

رضایت فرد از زندگی خویش دارند، بهره گرفته می‌شود (ماسام، ۲۰۰۲: ۱۲۱). در پژوهش حاضر برای سنجش رضایت از زندگی به‌عنوان متغیر وابسته، معرف‌های زیر در نظر گرفته شده است:^۱

جدول ۶. تعریف متغیر وابسته پژوهش و گویه‌های آن

معرف‌های رضایتمندی از کیفیت زندگی	گویه‌ها
علاقه به زندگی	زندگی کردن را دوست دارم و در مقابل مشکلات مقاومت می‌کنم.
احساس خوشبختی	خود را خوشبخت می‌پندارم و خوشحالم.
امکان رسیدن به آرزوها	احساس می‌کنم در زندگی روبه‌پیشرفت هستم و به آرزوهای خود خواهم رسید.
رفاه در زندگی	چیزهایی را که دوست دارم داشته باشم، در اختیار دارم.
لذت از زندگی	این ایام، بهترین سال‌های زندگی من است.
تمایل به ثبات	شرایط موجود زندگی‌ام را حفظ خواهم کرد.

مدل مفهومی پژوهش

نمودار ۱ روابط بین متغیرهای پژوهش را در قالب مدل تجربی نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، کیفیت زندگی با چهار شاخص و دوازده معرف بررسی می‌شود. برای سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی نیز از شش معرف بهره گرفته شده است.

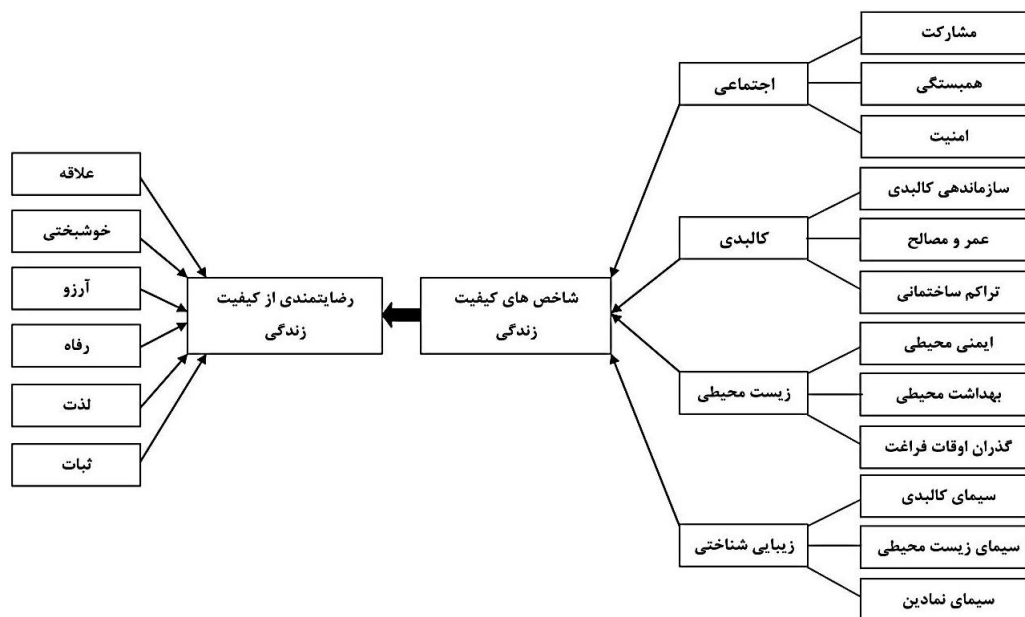
روش پژوهش

روش پژوهش کمی است و در انجام آن از روش پیمایش استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، ساکنان سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد شمالی است که براساس آمار مرکز بهداشت محله، در سال ۱۳۸۸، ۱۰۵۰ خانوار داشته و با استفاده از رابطه کوکران^۲، حجم نمونه، ۱۱۰ نفر به‌دست آمده است. نمونه‌برداری از جامعه آماری، به‌صورت تصادفی ساده انجام شد. در این پژوهش، «رضایتمندی از کیفیت زندگی» به‌عنوان متغیر وابسته و شاخص‌های «اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی» به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند. برای سنجش شاخص‌ها، برای هر شاخص سه معرف در نظر گرفته شد و پرسشنامه براساس آن تنظیم شد. پرسشنامه‌ها حاوی ۳۰ سؤال ناظر بر ابعاد کیفیت زندگی در محدوده مورد نظر و نیز رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی است. سؤال‌ها براساس طیف لیکرت طراحی شدند و پاسخ‌ها به پنج دسته خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تقسیم شدند.^۳ برای برآورد روایی ابزار پژوهش، از اعتبار صوری استفاده شد. در این روش، گویه‌های هر مفهوم، در اختیار استادان و صاحب‌نظران و متخصصان قرار گرفت. اجماع و توافق نظر آن‌ها بر سر طیفی منسجم از گویه‌ها برای سنجش هر مفهوم، به اعتبار صوری ابزار پژوهش منجر شد. برای برآورد پایایی پژوهش، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱) که مقادیر آن برای هر قلمرو به‌صورت جداگانه در جدول ۱ نشان داده شده است. آلفای محاسبه‌شده برای هر متغیر، عددی مطلوب است. می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به‌کار گرفته شده و گویه‌ها برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

۱. روایی پرسش‌ها با استفاده از روایی صوری ارزیابی شده است.

۲. جایی که ضریب اطمینان برابر با ۹۵ درصد، n برابر با حجم جامعه، $p=q=0.5$ و $z=1.96$ است.
$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$

۳. این مقیاس، از مجموعه‌ای منظم از گویه‌ها- که به‌ترتیب خاصی تدوین شده است- ساخته می‌شود. این گویه‌ها حالت‌های خاصی از پدیده مورد اندازه‌گیری را به‌صورت گویه‌هایی که از لحاظ ارزش اندازه‌گیری، فاصله‌های مساوی دارد، اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌دهنده میزان موافقت خود را با هر یک از این عبارات در یک مقیاس درجه‌بندی- شده- که معمولاً از یک تا پنج درجه است- نشان می‌دهد. سپس هر یک از گویه‌ها از نظر عددی ارزشگذاری می‌شوند و حاصل جمع عددی این ارزش‌ها، نمره آزمودنی را در این مقیاس به‌دست می‌دهد.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

جدول ۷. بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

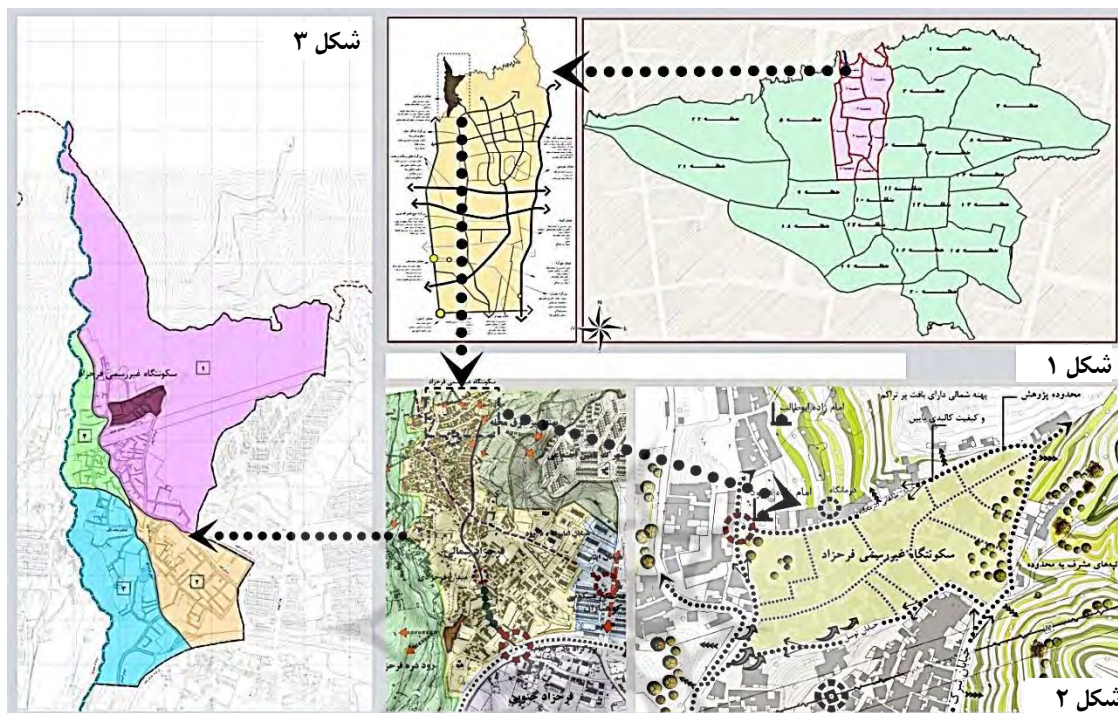
نوع متغیر	عنوان متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
متغیر مستقل	اجتماعی	۱۰	۰/۸۶
	کالبدی	۱۱	۰/۷۹
	زیست محیطی	۱۲	۰/۸۸
	زیبایی شناختی	۱۰	۰/۸۱
متغیر وابسته	رضایتمندی از کیفیت زندگی	۶	۰/۷۴

منبع: نگارندگان

محدوده و قلمرو پژوهش

سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد، یکی از اجتماع‌های غیر رسمی شهر تهران است که در شمال غربی تهران، ناحیه ۹ از منطقه ۲ واقع شده است. منطقه ۲ شهر تهران، از شمال به محدوده قانونی شهر، از جنوب به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه چمران و مسیل درکه و از غرب به بزرگراه محمدعلی جناح، بلوار اشرفی اصفهانی و مسیل فرحزاد محدود می‌شود. وسعت این منطقه ۴۷۶۳ هکتار است و جمعیتی بالغ بر ۷۳۴،۶۰۶ نفر دارد (مشاور سرآوند، ۱۳۸۹: ۱). فرحزاد در شمالی‌ترین بخش منطقه ۲ واقع شده است و به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. فرحزاد شمالی براساس تراکم جمعیتی، متشکل از چهار محدوده است. وسعت محدوده ۱ از محله فرحزاد، برابر با ۱۸/۵ هکتار است. از این مقدار، ۷/۵ هکتار مربوط به اراضی بایر و زمین‌هایی است که هیچ‌گونه ساخت‌وسازی در آن‌ها انجام نشده است. تراکم خالص مسکونی در این محدوده، ۶۱۶/۸ نفر در هکتار و تراکم ناخالص مسکونی در آن، ۲۶۱/۵ نفر در هکتار است (همان، ۵۸). محدوده مکانی پژوهش، منطبق بر سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد شمالی، واقع در محدوده ۱ است که مساحت تقریبی ۳/۵ هکتاری دارد و در سال ۱۳۶۰ به صورت روستایی درون‌شهری، در قسمت شمالی آن شکل گرفته و به سرعت رشد کرده است. شکل ۱، موقعیت محدوده را در شهر تهران و منطقه ۲، شکل ۲ موقعیت آن را در محله فرحزاد شمالی و در ارتباط با عناصر همجوار و شکل ۳، چهار محدوده فرحزاد شمالی را نشان می‌دهد.

محدوده مورد بررسی، از شمال به خیابان طالقانی، از جنوب به خیابان توسل، از شرق به خیابان امامزاده داوود و از غرب به خیابان تبرک منتهی می‌شود. در این محدوده، خانه‌هایی با سیمای روستایی و با کیفیت بسیار پایین بنا شده‌اند و قشری فقیر را در خود جای داده‌اند. این خانه‌ها که در دامنه ارتفاعات البرز به‌طور فشرده و متراکم در کنار هم قرار گرفته‌اند، از طریق کوچه‌های تنگ، باریک و شیب‌دار به هم مربوط می‌شوند.



شکل ۱. موقعیت محدوده در شهر تهران و منطقه ۲.

شکل ۲. موقعیت سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد در محله و در ارتباط با عناصر همجوار. شکل ۳. چهار محدوده فرحزاد شمالی
منبع: نگارندگان



شکل ۴. وضعیت سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد

منبع: نگارندگان

این بخش به‌عنوان متراکم‌ترین و پراستفاده‌ترین حوزه، در طول زمان با تحول‌های متعددی روبه‌رو شده است که موجب کاهش کیفیت زندگی در آن شده است. عناصر ناهمخوان و ناسازگار شهری، ضعف در کمیت و کیفیت امکانات، جابه‌جایی‌های اجتماعی، کاهش کیفیت کالبدی، آلودگی و... از مهم‌ترین معضله‌های این حوزه به‌شمار می‌رود. علاوه بر گوناگونی کالبدی، تنوع اجتماعی و فرهنگی نیز به‌دلیل مهاجرت‌های زیاد به محله قابل مشاهده است. در واقع، بخش شمالی محله فرحزاد، نمونه‌ای از سکونتگاه‌های غیر رسمی و روستاهای درون شهری است که در شرایط نامساعد کالبدی، اجتماعی، محیطی و... به‌سر می‌برد.

بحث و یافته‌ها

توصیف متغیرهای مستقل

جدول ۸ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان برای متغیرهای پژوهش است. اولین متغیر مورد بررسی، متغیر اجتماعی است که با استفاده از سه معرف همبستگی، مشارکت و امنیت اجتماعی سنجش شده است. مطابق یافته‌ها، میانگین متغیر اجتماعی، ۲/۷۶ است. این میانگین، از مقدار متوسط ۳ پایین‌تر است و در نتیجه می‌توان گفت بعد اجتماعی کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد وضعیت مناسبی ندارد. همچنین در میان معرف‌های سرمایه اجتماعی، به ترتیب، امنیت اجتماعی ($M=۲/۵۹$) و مشارکت اجتماعی ($M=۲/۶۳$) در مقایسه با همبستگی اجتماعی ($M=۳/۰۶$) وضعیت نامساعدتری دارند. همبستگی اجتماعی این شاخص، در محدوده متوسط ارزیابی شده است ($M=۳/۰۶$). شاخص بعدی، بعد کالبدی کیفیت زندگی است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه، ۲/۰۴ ارزیابی شده است. با توجه به اینکه این بعد، کمترین میانگین را در میان سایر متغیرها دارد، می‌توان گفت بعد کالبدی کیفیت زندگی، در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد، وضعیت نامساعدی دارد و میانگین آن در طیف لیکرت، در محدوده پایین ارزیابی شده است. در میان معرف‌های بعد کالبدی، عمر ساختمان و نوع مصالح ($M=۱/۹۵$) در مقایسه با دو معرف دیگر وضعیت نامساعدتری دارد و براساس طیف لیکرت، بین سطح بسیار پایین و پایین ارزیابی شده است. میانگین نمره معرف‌های سازماندهی کالبدی فضایی و تراکم ساختمانی نیز بسیار نزدیک به هم است و در محدوده کم، ارزیابی شده است. شاخص دیگر، وضعیت بعد زیست‌محیطی را در محدوده مورد بررسی نشان می‌دهد. با توجه به جدول، میانگین این متغیر در حدود ۲/۴۹ ارزیابی شده است و از مقدار متوسط ۳ پایین‌تر است. در میان معرف‌های این شاخص، ایمنی محیطی با میانگین ۲/۳۶، در مقایسه با دو معرف بهداشت محیطی و وجود فضاهای گذران اوقات فراغت شرایط نامساعدتری دارد و در کل، میانگین نمره سه متغیر، در محدوده زیر متوسط ارزیابی شده است. شاخص دیگر در این مجموعه، بعد زیبایی‌شناختی کیفیت زندگی است که با استفاده از سه متغیر سیمای کالبدی، سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین محیط، ارزیابی شده است. میانگین این بعد نیز در محدوده زیر متوسط ارزیابی شده است. همچنین در میان معرف‌های آن، سیمای نمادین محیط در مقایسه با دو عامل دیگر، وضعیت نامساعدتری دارد و عدد میانگین، نشان‌دهنده ضعف این عامل در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد است. به‌طور کلی، با توجه به جدول میانگین، وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد، براساس طیف لیکرت، بین سطح پایین و متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۸. توزیع نسبی ابعاد کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد

شاخص	معرف‌ها	میانگین از ۵	انحراف معیار	آلفای کرونباخ	میانگین کل
شاخص اجتماعی	الف) همبستگی اجتماعی	۳/۰۶	۰/۸۵	۰/۸۶	۲/۷۶
	ب) مشارکت اجتماعی	۲/۶۳	۰/۸۶	۰/۸۸	
	ج) امنیت اجتماعی	۲/۵۹	۰/۷۸	۰/۸۹	
شاخص کالبدی	الف) سازمان‌دهی کالبدی فضایی	۲/۱۰	۰/۹۳	۰/۹۲	۲/۰۴
	ب) عمر ساختمان و نوع مصالح	۱/۹۵	۰/۹۸	۰/۸۸	
	ج) تراکم ساختمانی	۲/۰۹	۰/۹۵	۰/۹۰	
شاخص زیست‌محیطی	الف) ایمنی محیطی	۲/۳۶	۰/۹۶	۰/۹۱	۲/۴۹
	ب) بهداشت محیطی	۲/۵۵	۱/۰۹	۰/۸۹	
	ج) فضاهای گذران اوقات فراغت	۲/۵۷	۰/۸۹	۰/۸۸	
شاخص زیبایی‌شناختی	الف) سیمای کالبدی	۲/۲۵	۰/۹۸	۰/۸۸	۲/۱۷
	ب) سیمای زیست‌محیطی	۲/۲۷	۱/۰۱	۰/۷۲	
	ج) سیمای نمادین محیط	۲/۰۱	۰/۸۱	۰/۸۹	

توصیف متغیر وابسته: رضایت از زندگی

برای سنجش رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی، پرسش‌های شش معرف در زمینه علاقه به زندگی، احساس خوشبختی، امکان برآورده شدن آرزوها، میزان برخورداری از رفاه، لذت از زندگی و تمایل به ثابت‌نگه‌داشتن وضع موجود مطرح شدند. جدول ۹ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان برای متغیر وابسته رضایتمندی است.

جدول ۹. توزیع پاسخ‌های نمونه پژوهش به گویه‌های متغیر رضایت از زندگی

میانگین کل	آلفای کرونباخ	انحراف معیار	میانگین	رضایتمندی از کیفیت زندگی
۲/۷۲	۰/۷۴	۰/۵۷	۲/۶۹	میزان علاقه به زندگی
		۰/۶۶	۲/۷۶	احساس خوشبختی
		۰/۵۶	۲/۷۵	امکان رسیدن به آرزوها
		۰/۷۳	۲/۴۸	رفاه در زندگی
		۰/۶۵	۲/۸۸	لذت از زندگی
		۰/۶۸	۲/۸۰	تمایل به ثابت‌نگه‌داشتن شرایط موجود و تغییر ندادن آن

منبع: نگارندگان

قرارگیری میانگین رضایتمندی ($M=2/72$) در محدوده زیر متوسط، نشان از وضعیت نامساعد این متغیر در محدوده مورد بررسی دارد. براساس جدول، تمایل به ثابت‌نگه‌داشتن وضع موجود ($M=2/80$) و احساس خوشبختی ($M=2/76$)، در میان ساکنان این محدوده، بالاترین میانگین را دارد. در مقابل، رضایت از میزان رفاه در زندگی آن‌ها ($M=2/48$) در مقایسه با سایر عوامل، در محدوده پایین‌تری قرار گرفته است. در مجموع، رضایتمندی از کیفیت زندگی در این محدوده، براساس طیف لیکرت، در محدوده بین پایین و متوسط ارزیابی شده است و به نظر می‌رسد با بهبود ابعاد کیفیت زندگی، شناسایی و ارتقای مجموعه عواملی که بر رضایتمندی از کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد، بتوان رضایتمندی ساکنان را تا حد شایان توجهی افزایش داد.

آزمون همبستگی

پژوهش حاضر، یک فرضیه اساسی دارد که براساس آن، به نظر می‌رسد میان شاخص‌های کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی، همبستگی و رابطه معنادار برقرار است. این فرضیه کلی، با توجه به چهار شاخص کیفیت زندگی و معرف‌های آن‌ها، قابل تعمیم به دوازده فرضیه فرعی است. این فرضیه‌ها به صورت وجود ارتباط معنادار میان عوامل همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، سازمان‌دهی کالبدی فضایی ساختمان‌ها، عمر ساختمان و نوع مصالح، تراکم ساختمانی، ایمنی محیطی، بهداشت محیطی، وجود فضاهای گذران اوقات فراغت، سیمای کالبدی، سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین محیط، به عنوان متغیرهای مستقل و رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی، به عنوان متغیر وابسته مطرح می‌شوند.

در ادامه، دوازده فرضیه این پژوهش، از دو طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند. جدول ۱۰، همبستگی متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته را نشان می‌دهد (سطح خطا، $0/05$ در نظر گرفته شده است). براساس جدول، میان مشارکت اجتماعی و رضایتمندی از کیفیت زندگی، رابطه معنادار برقرار است؛ بنابراین، با افزایش مشارکت اجتماعی، رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی نیز افزایش خواهد یافت؛ بنابراین، فرضیه مذکور در سطح $P < 0/05$ معنادار و قابل پذیرش و تعمیم است. همچنین بین همبستگی اجتماعی و رضایتمندی ساکنان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین ترتیب، استدلال می‌شود که با افزایش همبستگی اجتماعی، رضایتمندی ساکنان نیز افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج جدول، فرضیه مذکور در سطح $P < 0/05$ معنادار و قابل پذیرش است. بین امنیت اجتماعی و رضایتمندی، رابطه‌ای معنادار برقرار است. بدین ترتیب، با افزایش امنیت اجتماعی، میزان رضایتمندی ساکنان

نیز افزایش خواهد یافت. فرضیه مذکور نیز در سطح $P < 0/05$ معنادار و قابل پذیرش و تعمیم به جامعه آماری است. بین سازماندهی کالبدی فضایی ساختمان‌ها و رضایتمندی ساکنان، رابطه مثبت و معناداری برقرار است. براین اساس، با بهبود سازماندهی کالبدی فضایی، رضایتمندی ساکنان نیز در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت. بین عمر ساختمان و نوع مصالح، ارتباط معناداری وجود ندارد. به این معنا که با بهبود عمر ساختمان و نوع مصالح، رضایتمندی ساکنان تغییری نمی‌کند. با توجه به نتایج جدول، فرضیه مذکور رد می‌شود و قابل تعمیم به کل جامعه نیست. در میان سایر موارد، عوامل تراکم ساختمانی، ایمنی محیط، بهداشت محیط، وجود فضاهای گذران اوقات فراغت و سیمای کالبدی، با رضایتمندی از کیفیت زندگی رابطه معنادار و مثبت دارند؛ به طوری که با بهبود و ارتقای این عوامل، رضایتمندی ساکنان نیز ارتقا خواهد یافت. بدین ترتیب، فرضیه‌های مذکور قابل قبول‌اند و به کل جامعه آماری تعمیم می‌یابند. همچنین جدول نشان می‌دهد که عوامل سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین محیط، با رضایتمندی از کیفیت زندگی ارتباط معناداری ندارند؛ بنابراین، با تغییر این عوامل، رضایتمندی ساکنان تغییری نخواهد کرد. پس فرضیه‌های مذکور در سطح $P < 0/05$ معنادار و قابل پذیرش و تعمیم به جامعه آماری نیستند.

براساس ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط نه متغیر با رضایتمندی از کیفیت زندگی معنادار است. این متغیرها عبارت‌اند از: مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سازماندهی کالبدی فضایی ساختمان‌ها، تراکم ساختمانی، ایمنی محیط، بهداشت محیط، فضاهای گذران اوقات فراغت و سیمای کالبدی محیط. در این میان، سه متغیر عمر ساختمان و نوع مصالح، سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین محیط، ارتباط معناداری با رضایتمندی از کیفیت زندگی نداشتند. از نه فرضیه تأییدشده، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی، مربوط به شاخص اجتماعی، سازماندهی کالبدی فضایی و تراکم ساختمانی، مربوط به شاخص کالبدی، ایمنی محیط، بهداشت محیط و فضاهای گذران اوقات فراغت، مربوط به شاخص زیست‌محیطی و سیمای کالبدی، مربوط به شاخص زیبایی‌شناختی است. از سه فرضیه‌ای که ارتباطی معنادار با رضایت از کیفیت زندگی ندارند، متغیر عمر ساختمان و نوع مصالح، مربوط به بعد کالبدی و دو متغیر سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین، مربوط به شاخص زیبایی‌شناختی است (جدول ۱۳). براساس ضرایب به‌دست‌آمده، در میان عوامل، همبستگی اجتماعی مربوط به بعد اجتماعی کیفیت زندگی، بیشترین رابطه معنادار را با رضایتمندی از کیفیت زندگی دارد. در مقابل، تراکم ساختمانی مربوط به بعد کالبدی، کمترین ارتباط معنادار و همبستگی را با رضایتمندی ساکنان دارد.

جدول ۱۰. توزیع پاسخ‌های نمونه پژوهش به گویه‌های متغیر رضایت از زندگی

ارتباط	سطح معناداری	ضریب همبستگی	فرضیه‌ها
دارد	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷**	ارتباط بین مشارکت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۰۰	۰/۴۷۷**	ارتباط بین همبستگی اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۰۰	۰/۴۵۸**	ارتباط بین امنیت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۲۷	۰/۲۱۱*	ارتباط بین سازماندهی کالبدی فضایی و رضایت از کیفیت زندگی
ندارد	۰/۲۹۹	۰/۱۰۰	ارتباط بین عمر ساختمان، نوع مصالح و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۳۲	۰/۲۰۵*	ارتباط بین تراکم ساختمانی و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۰۹	۰/۲۴۷*	ارتباط بین ایمنی محیط و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۲۶	۰/۲۱۲*	ارتباط بین بهداشت محیط و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۲۸	۰/۲۰۹*	ارتباط بین وجود فضاهای گذران اوقات فراغت و رضایت از کیفیت زندگی
دارد	۰/۰۱۳	۰/۲۳۵*	ارتباط بین سیمای کالبدی و رضایت از کیفیت زندگی
ندارد	۰/۵۹۱	۰/۰۵۲	ارتباط بین سیمای زیست‌محیطی و رضایت از کیفیت زندگی
ندارد	۰/۱۴۱	۰/۱۴۱	ارتباط بین سیمای نمادین محیط و رضایت از کیفیت زندگی

رگرسیون چندمتغیره

رگرسیون چندگانه، روشی آماری است که برای تحلیل تأثیر جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل بر تغییرهای متغیر وابسته به کار می‌رود. در پژوهش حاضر، رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام^۱ استفاده شده است. براساس جدول ۱۱، اولین و قوی‌ترین متغیر وارد شده به معادله رگرسیون به‌روش گام به گام، متغیر مشارکت اجتماعی است که ۲۲ درصد متغیر وابسته، یعنی رضایت از کیفیت زندگی را تبیین می‌کند. بهداشت محیطی، در درجه دوم وارد معادله می‌شود و با رساندن ضریب تعیین به ۳۳ درصد، قدرت تبیین را ۱۰ درصد بالا می‌برد. در مرحله سوم، سیمای کالبدی وارد معادله می‌شود و مقدار R^2 را به ۴۱ درصد می‌رساند. این متغیر موجب می‌شود تا به قدرت مدل، ۸ درصد افزوده شود. پس از آن، تراکم ساختمانی وارد معادله می‌شود و با رساندن R^2 به ۴۶ درصد، قدرت تبیین‌کنندگی مدل را ۵ درصد افزایش می‌دهد. در گام پنجم، همبستگی اجتماعی وارد معادله رگرسیون می‌شود. این متغیر، مقدار ضریب تعیین را به ۵۰ درصد می‌رساند و قدرت مدل را ۴ درصد بالا می‌برد. در گام آخر، وجود فضاهای گذران اوقات فراغت وارد مدل می‌شود. این متغیر نیز با رساندن ضریب تعیین به ۵۳ درصد، روی هم‌رفته ۳ درصد به قدرت تبیین‌کنندگی مدل می‌افزاید. در نهایت، با توجه به مطالب جدول می‌توان گفت این شش متغیر در مجموع، ۵۳ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. در میان متغیرهای وارد شده به جدول، دو مورد آن مربوط به شاخص اجتماعی، دو مورد مربوط به شاخص زیست‌محیطی، یک مورد مربوط به شاخص کالبدی و یک مورد نیز مربوط به شاخص زیبایی‌شناختی است.

جدول ۱۱. توزیع پاسخ‌های نمونه پژوهش به گویه‌های متغیر رضایت از زندگی

مراحل	متغیر	R	R^2	R^2 تعدیل شده	تغییرهای R^2	B	Beta	t	Sig T
۱	مشارکت اجتماعی	۰/۴۷۷	۰/۲۲۸	۰/۲۲۱	۰/۲۲۸	۰/۲۳۶	۰/۴۷۷	۵/۶۴۲	۰/۰۰۰
۲	بهداشت محیطی	۰/۵۷۳	۰/۳۲۹	۰/۳۱۶	۰/۱۰۱	۰/۱۳۰	۰/۳۲۵	۴/۰۱۸	۰/۰۰۰
۳	سیمای کالبدی	۰/۶۴۲	۰/۴۱۳	۰/۳۹۶	۰/۰۸۴	۰/۱۴۷	۰/۲۹۳	۳/۸۸۵	۰/۰۰۰
۴	تراکم ساختمانی	۰/۶۸۳	۰/۴۶۶	۰/۴۴۵	۰/۰۵۳	۰/۱۰۵	۰/۲۳۳	۳/۲۳۶	۰/۰۰۲
۵	همبستگی اجتماعی	۰/۷۰۶	۰/۴۹۸	۰/۴۷۴	۰/۰۳۳	۰/۱۱۶	۰/۲۳۲	۲/۵۹۷	۰/۰۱۱
۶	وجود فضاهای گذران اوقات فراغت	۰/۷۳۰	۰/۵۳۳	۰/۵۰۶	۰/۰۳۵	۰/۲۰۳	۰/۰۹۸	۲/۷۷۲	۰/۰۰۷

F=۲۴/۳۳۵ Sig= +/۰۰۰

منبع: نگارندگان

همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، میزان F در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنادار است. این معادله رگرسیونی، از نظر آماری، معتبر و قابل قبول است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به ساختار نوینی از کیفیت زندگی اشاره شد که در بستر مفاهیم اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی، با هدف توسعه پایدار در سکونتگاه‌های غیر رسمی و با رویکرد بهبود کیفیت زندگی و ارتقای رضایتمندی ساکنان شکل گرفته است. سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد، مسائل حاد و بعرضی دارد که موجب افت شدید کیفیت زندگی در آن شده است. پژوهش حاضر با هدف تعیین ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی، سنجش این ابعاد در کنار سنجش رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی و شناخت میزان تأثیر شاخص‌ها بر رضایتمندی - که مهم‌ترین محور توسعه پایدار است - انجام شد. به‌منظور تعیین شاخص‌های کیفیت زندگی و شکل‌گیری چارچوب نظری در محدوده مطالعه، به بررسی نوشتارها، پژوهش‌های نظری مربوط به کیفیت زندگی، توسعه پایدار و اسکان غیر رسمی پرداخته شد.

در نهایت، چهار شاخص اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در نظر گرفته شدند. همچنین برای سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی، پس از بررسی پژوهش‌های پیشین و رویکردهای موجود در این زمینه، با پیش‌فرض اینکه رضایتمندی، یک متغیر بسیط و دارای مفهومی کلی است، به تعیین عواملی پرداختیم که نشان‌دهنده وضع کنونی زندگی ساکنان است و به‌طور مستقیم، بر رضایتمندی آنان تأثیر دارد. این عوامل عبارت‌اند از: علاقه به زندگی، احساس خوشبختی، امکان رسیدن به آرزوها، رفاه در زندگی، لذت از زندگی و تمایل به ثابت‌نگه‌داشتن شرایط موجود. با تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان نتایج زیر را استنتاج کرد:

الف) نتایج پژوهش، بیانگر نامساعد بودن ابعاد کیفیت زندگی (اجتماعی $M=2/76$ ، کالبدی $M=2/04$ ، زیست‌محیطی $M=2/49$ ، زیبایی‌شناختی $M=2/17$) و همچنین پایین بودن رضایتمندی ساکنان در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد است. ($M=2/72$) به‌طور کلی، با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده، وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان در این محدوده، براساس طیف لیکرت، بین سطح پایین و متوسط ارزیابی شده است.

ب) شاخص اجتماعی، یک پیش‌بینی‌کننده خوب برای تبیین میزان رضایت از کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی فرحزاد است؛ چراکه معرف‌های این شاخص، شامل عوامل همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی، بیشترین رابطه معنادار و همبستگی با رضایتمندی از کیفیت زندگی را دارند. همچنین مشارکت اجتماعی، سهم بالایی از تبیین واریانس کل رضایت از کیفیت زندگی را به‌خود اختصاص داده است.

ج) در بین دوازده فرضیه که ارتباط بین متغیرهای اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی با رضایت از کیفیت زندگی را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌کرد، نه فرضیه تأیید شد که سه فرضیه آن مربوط به بعد اجتماعی کیفیت زندگی، شامل عوامل مشارکت، همبستگی و امنیت اجتماعی، دو فرضیه مربوط به بعد کالبدی کیفیت زندگی شامل عوامل سازماندهی کالبدی فضایی و تراکم ساختمانی، سه فرضیه مربوط به بعد زیست‌محیطی کیفیت زندگی، شامل عوامل ایمنی محیط، بهداشت محیط و فضاهای گذران اوقات فراغت و یک فرضیه آن مربوط به بعد زیبایی‌شناختی کیفیت زندگی، شامل عامل سیمای کالبدی است. از سه فرضیه‌ای که ارتباطی معنادار با رضایت از کیفیت زندگی ندارند، یک مورد آن شامل متغیر عمر ساختمان و نوع مصالح مربوط به بعد کالبدی و دو مورد دیگر آن، شامل متغیر سیمای زیست‌محیطی و سیمای نمادین، مربوط به شاخص زیبایی‌شناختی است.

د) با استفاده از یک مدل رگرسیونی چندمتغیری، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته به‌روش گام‌به‌گام تحلیل شد. این مدل به‌لحاظ آماری معنادار است و ۵۳ درصد تغییر در متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی را تبیین می‌کند. مدل، شش مرحله را در پی دارد که مشارکت اجتماعی، اولین متغیر و وجود فضاهای گذران اوقات فراغت، آخرین متغیری است که به مدل وارد می‌شود. براین‌اساس، می‌توان گفت مشارکت اجتماعی از مهم‌ترین متغیرها در ارتباط با رضایتمندی از کیفیت زندگی است.

ه) ابعاد کیفیت زندگی، بیانگر ویژگی‌ها و شرایط مختلف مؤثر بر زندگی ساکنان است که بر رضایتمندی آنان نیز تأثیر بسیار دارد. براساس نتایج می‌توان گفت توجه به ابعاد کیفیت زندگی، به‌ویژه بعد اجتماعی آن که بیشترین ارتباط و همبستگی را با رضایتمندی ساکنان دارد، برای ارتقای میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی - که یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار است - مؤثر واقع می‌شود.

منابع

۱. ابادری، یوسف‌علی و دیگران، ۱۳۸۳، رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی: کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها، طرح‌های ملی.
۲. بحرینی، حسین، ۱۳۹۱، تحلیل فضاهای شهری، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۳. جمشیدیه، غلامرضا، ۱۳۸۳، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۴۳-۶۸.
۴. حاج‌یوسفی، علی، ۱۳۸۷، حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن، هفت‌شهر، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۲-۲۴.
۵. حبیب، فرح، ۱۳۸۶، رویکرد پایداری در متن شهرسازی، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۱۲.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۸، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.
۷. رفیعیان، مجتبی و دیگران، ۱۳۸۸، سنجش میزان رضایتمندی سکونت ساکنان محله نواب، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، صص ۵۳-۶۸.
۸. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۹، روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. سفلی، فرزانه، ۱۳۸۲، پایداری عناصر اقلیمی در معماری سنتی ایران، مجموعه مقالات همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان، جلد ۱، صص ۱۳۳-۱۵۴.
۱۰. شیعه، اسماعیل، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۱. صادقی، رسول و اسدالله نقدی، ۱۳۸۵، حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری با تأکید بر شهر همدان، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۱۳-۲۳۴.
۱۲. صرافی، مظفر، ۱۳۸۷، به‌سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، هفت‌شهر، سال سوم، شماره‌های ۹ و ۱۰، صص ۳-۶.
۱۳. عزیزی، محمد مهدی، ۱۳۸۰، توسعه شهری پایدار: برداشت و تحویلی از دیدگاه‌های جهانی، صفة، شماره ۳۳، صص ۱۴-۲۷.
۱۴. عظیمی، آزاده، ۱۳۸۹، ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، شوراها، شماره ۵۵، صص ۴-۸.
۱۵. عظیمی، مژگان، ۱۳۸۲، رابطه رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش‌آموزان، اداره تحقیقات آموزش و پرورش خراسان، مشهد.
۱۶. علیخواه، فریدون، ۱۳۸۳، سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی، جلد اول، طرح‌های ملی، تهران.
۱۷. فرجی ملایی، امین، ۱۳۸۹، تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و برنامه‌ریزی برای بهبود آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
۱۸. قرخلو، مهدی، عبدی ینگگی کند، ناصح و سعید زنگنه شهرکی، ۱۳۸۸، تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱-۱۶.
۱۹. قهرمان، آرش، ۱۳۸۹، بررسی مفهوم رضایت از زندگی و سنجش آن در میان دانشجویان دختر و پسر، دوفصلنامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، صص ۸۱-۱۰۶.
۲۰. لطفی، صدیقه، ۱۳۸۸، مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای انسانی، صص ۶۵-۸۰.

۲۱. محسنی، منوچهر، ۱۳۸۰، **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران**، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۲۲. محمودی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، **توسعه مسکن همساز با توسعه پایدار**، دانشگاه تهران، تهران.
۲۳. مشاور سراوند، ۱۳۸۹، **طرح تفصیلی منطقه ۲ شهر تهران**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۲۴. نایی، هوشنگ، ۱۳۷۵، **سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد.
25. Abazari, Y., 2004, **Life Satisfaction and Social Evaluation**, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran. (*In Persian*)
26. Adams, D., 1969, **Analysis of Life Satisfaction Index**, Journal of Gerontology, No. 24.
27. Alikhah, F., 2004, **Exploring Basic Concepts of Social Sciences**, National plans Publications, Tehran. (*In Persian*)
28. Amerigo, M., and Aragonés, J. I., 1997, **A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction**, Journal of Psychology, No. 17, PP. 47-57.
29. Azimi, A., 2010, **Dimensions and Indicators of Urban Life Quality**, Shoraha, No. 55, PP. 4-8. (*In Persian*)
30. Azimi, M., 2003, **Relationship between Religiosity and Life Satisfaction among Students**, Department of Education investigation Khorasan, Mashhad. (*In Persian*)
31. Azizi, M., 2001, **Sustainable Urban Development: Understanding the Worldviews**, Soffeh, No. 33, PP. 14-27. (*In Persian*)
32. Bahreini, H., 2012, **Analysis of Urban Spaces**, Institute of Tehran University Publications, Tehran.
33. Blomquist, G. C., Berger, M. C. and Hoehn, J. P., 1988, **New Estimates of Life Quality in Urban Areas**, American Economic Review, No. 78, PP. 89-107.
34. Boyer, R. and Savageau, D., 1981, **Places Rated Almanac**, Rand McNelly, Chicago.
35. Chepman, D., 2007, **Creating Neighborhoods and Places of the Human Environment**, Translated By: Faryadi, Sh. and Tabibian, M., Institute of Tehran University Publications, Tehran.
36. Dehkhoda, A., 2009, **Dehkhoda Dictionary**, Tehran University Publications, Tehran.
37. Dwyer, A., 2004, **Quantifying Social Vulnerability: A Methodology for Identifying Those at Risk to Natural Hazards**, GeoCat No. 61168, Geoscience Australia.
38. Evans, D. R., 1994, **Enhancing Quality of Life in the Population at Large, Social Indicators Research**, No. 33, PP. 47-88.
39. Faraji Molayie, A., 2010, **Indicators of the Urban Life Quality and Planning for its Improvement**, M.S thesis Course, Geographical Field, Tehran University. (*In Persian*)
40. Gahreman, A., 2010, **Study and Measurement of Life Satisfaction among Male and Female Students**, Journal of Young Research, No.4, PP. 81-106. (*In Persian*)
41. Gharkhloo, M., Abdi N., Zanganeh S., 2009, **Analysis Level of Sustainability in Informal Settlements**, Human Geography Research, No. 69, PP. 1-16. (*In Persian*)
42. Gifford, R., 2009, **Environmental Perception and Cognition**, Translated By: Dehbashi, N., Architecture and Culture, No. 2/3. (*In Persian*)
43. Habib, F., 2007, **Approach in the Context of Sustainable Urban Development**, Environmental Science and Technology, Vol. 9, No. 1, PP. 111-112. (*In Persian*)
44. Hajyousefi, A., 2008, **Urban Marginalization and Transformation Process**, Haft Shahr, No. 8, PP. 12-24. (*In Persian*)
45. Healthy City Toronto, 2000, **Toronto's First State of City Report**, Healthy City Project, Toronto.
46. Hokao, J., 2006, **Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction**, Landscape and Urban Planning, No. 78, PP. 165-178.

47. Ingelhart, R., 2005, **Cultural Shift in Advanced Industrial Society**, Translated By: Vatar, M., Kavir, Tehran. (*In Persian*)
48. Jamshidiha, Gh., 2004, **Social Belonging and Its Impact on the Return of Afghan Refugees**, Journal of Social Science Letters, No. 23, PP. 43-68. (*In Persian*)
49. Kalen, G., 2011, **Selection of Urban Landscape**, Translate By: Tabibian, M., Tehran University Publications, Tehran. (*In Persian*)
50. Lackland, David., 2001, **Life Satisfaction among Students**, Social Indicators.
51. Lansing, J. B. and Marans, R. W., 1989, **Evaluation of Neighborhood Quality**, AIP Journal, No. 20, PP. 195-199.
52. Linch, K., 2011, **Face of the City**, Translated By: Mozeyeni, M., Tehran University Publications. Tehran. (*In Persian*)
53. Liu, B. C., 1976, **Quality of Life Indicators in US Metropolitan Areas**, Praeger, New York.
54. Lotfi, S., 2009, **The Concept of Urban Life**, Human Geography, No. 4, PP. 65-80.
55. Mahmoodi, M., 2009, **Housing Development Compatible with Sustainable Development**, Tehran University Publications, Tehran. (*In Persian*)
56. Massam, B. H., 2002, **Quality of Life: Public Planning and Private Living**, Progress in Planning, No. 58, PP. 141° 227.
57. Mcintosh, Cameron N., 2001, **Report on the Construct Validity of the Temporal Satisfaction with Life Scale**, Social Indicators Research, No. 54.
58. Michelson, W., 2001, **An Empirical Analysis of Urban Environmental Preference**, Institute of Planners, No. 31, PP. 355-360.
59. Mohseni, M., 2001, **Exploring Social Knowledge, Attitudes and Behaviors in Iran**, General Secretariat of the Council, Tehran. (*In Persian*)
60. Nayebi, 1996, **Measuring Happiness amongst Households in Tehran**, Master's thesis Course in Sociology, Foundation Research Center of the Ministry of Culture. (*In Persian*)
61. Protassenko, T., 1997, **Dynamics of the Standard of Living in St. Petersburg durin Economic Reform**, International Journal of Urban and Regional Research. No. 21, PP. 445-454.
62. Rafiyan, M. and Associates, 2009, **Measuring Residential Satisfaction in Nawab Neighborhood**, Human Geography Research, No. 67, PP. 53-68.
63. Sadeghi R. and Naghdi A., 2006, **Marginalization as a Challenge of Urban Sustainable Development**, Sociology and Social Sciences, No. 20, PP. 213-234. (*In Persian*)
64. Santos, L. D. and Martins, I., 2007, **Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience**, Social Indicators Research, No. 80, PP. 411° 425.
65. Saravand Consulting Company, 2011, **Detailed Design District 2 of Tehran**, Department of Housing and Urban Development, Tehran. (*In Persian*)
66. Sarookhani, B., 2010, **Research Methods in Social Sciences**, Humanities and Cultural Studies Publications. (*In Persian*)
67. Sarrafi, M., 2008, **National Strategy to Organize an Informal Settlement**, Haft Shahr, Vol. 3, No. 9/10, PP. 3-6. (*In Persian*)
68. Shiee E., 2001, **Introduction to the Principles of City Planning**, Iran University of Science and Technology, Tehran. (*In Persian*)
69. Soflaiee F., 2003, **Stability Elements in Traditional Iranian Architecture**, Proceedings of the Symposium on Energy Conservation in Buildings, PP. 133-154. (*In Persian*)
70. Stover, M. E. and Leven, C. L., 1992, **Methodological Issues in the Determination of the Quality of Life in Urban Areas**. Urban Studies, No. 29, PP. 737-754.
71. Sufian, A. J. M., 1993, **A Multivariate Analysis of the Determinants of Urban Quality of Life in the World's Largest Metropolitan Areas**, Urban Studies, No. 30, PP. 1319-1329.

72. Turksrer, A., 2000, **Possibilities and Limitations for the Measurment For The Quality of Life in Urban Areas**, Social Indicators Research, No. 53.
73. Ulengin, B. and Guvenc, U., 2001, **A Multidimensional Approach to Urban Quality of Life: The Case of Istanbul**, European Journal of Operational Research, No. 130, PP. 361-374.
74. UNDP, 1994, **Human Development Report**, Oxford University Press.
75. UNESCO, 1997, **Educating for a Sustainable Future**, UNESCO, Government of Greece, Theasalonik.

